

### جایزه جهانی «شهر شعر» فراخوان داد



جایزه جهانی «شهر شعر» باهدف اعتلای شعر فارسی و تقویت پیوندهای فرهنگی پایتخت ایران برگزار می‌شود. جایزه جهانی «شهر شعر» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای ادبی در حوزه شعر فارسی شناخته می‌شود که در تلاش است جایگاه پایتخت ایران را به‌عنوان مهد شعر و ادبیات تقویت کند.این جایزه با هدف اعتلای شعر فارسی و تقویت پیوندهای فرهنگی پایتخت ایران با هنر شعر طراحی شده است. پس از تجربه موفق جشنواره شب‌های شهرپور، این رویداد تازه با تمرکز بر ارتقای سطح کیفی، گسترش مخاطبان و ارائه جوایزی درخور شعر ایرانیان، برنامه‌ریزی شده است. در بخش اصلی جشنواره، محدودیتی برای موضوع آثار وجود ندارد اما بخشی ویژه به‌موضوع فلسطین، صلح و عدالت جهانی اختصاص یافته است. از دیگر برنامه‌های این جشنواره می‌توان به تجلیل از شاعران برجسته جهانی، نیز شاعران گویش‌های محلی ایرازی اشاره کرد. همچنین بخش نوآورانه‌ای به نام «ایده‌های ادبی برای فضای شهری» در این جشنواره پیش‌بینی شده است که ایده‌های برتر را در راستای تعمیق هویت شعری تهران و طراحی شهری به کار خواهد گرفت. بخش‌های جشنواره شامل: ۱- جایزه‌های زرین (بخش شعر پارسی): غزل، مثنوی، چهارپاره، ترانه و تصنیف، نیمایی و سپید، شعر کوتاه، طنز، کودک و نوجوان و شعر بلند، ۲- جایزه ویژه شعر با گویش‌های محلی و ۳- تجلیل از شاعران منتخب جهان است.

### اعلام فیلم‌های بخش مسابقه کوتاه داستانی فجر ۴۳



۴۴ فیلم راه‌یافته به بخش مسابقه فیلم کوتاه داستانی چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر معرفی شدند. مریم اسمی‌خانی، آرش رضایی، مجید شیخ‌نصاری، محمدرضا عرب و سیدمصطفی موسوی پس از ارزیابی آثار متقاضی در این بخش، فیلم‌های نهایی را به شرح ذیل اعلام کردند.

«لبله» به کارگردانی میثم محمدخانی، «اس بی ۱۱۰» به کارگردانی پیام ناصر، «اسپیرال» به کارگردانی میناسادات حسینی، «هلهلی» به‌کارگردانی نیما عبدالعظیمی، «چه‌خوان» به کارگردانی اسماعیل عظیمی، «بدرود پاریس» به کارگردانی محمدابراهیم شهبازی، «به شرط ...» به کارگردانی سهیل رحیمی، «شب‌تازه» به کارگردانی دانیال رحیمی‌کاشانی، «پس از پسر» به کارگردانی نوشین معراجی، «بیم‌ب» به کارگردانی سعید ملتجی، «تاجی» به کارگردانی مهدی برجیان، «تاری» به کارگردانی صحرا اسداللهی، «تاکر» به کارگردانی امیر بزدرفته، «تبر» به کارگردانی مهدی گنجی و مجید حقیقت، «فتنگ چخوف» به کارگردانی سیدعباس حسینی، «تنها کنار هم» به کارگردانی امید میرزایی، «جشن هنر» به کارگردانی علی توکلی، «چوجه رنگی» به کارگردانی فرید حاجی، «چولی بولی» به کارگردانی مانا پاک‌سرت، «حدود سیزده کیلوگرم» به کارگردانی مهدی بزری، «خانه ماه» به کارگردانی حمیدرضا مقصدوی‌داغمداری، «خزرد سیاره» به کارگردانی احسان شادمانی، «خسرو۱۲۷» به کارگردانی ابوالفضل ساعتی‌مهربانی، «دادرسی» به کارگردانی نادره سادات سبیری، «دوبیتو» به کارگردانی دانیال محمودنیا «راوی» به کارگردانی محمد پایدار، «روز خداحافظی» به کارگردانی فرزاد زنجیرنظری، «ویلساز» به کارگردانی محسن مهری‌درزی و میلاد کیایی، «زیر سایه بلوط» به کارگردانی حسین اللهبازی، «زله مو» به کارگردانی زبیر حجتی، «نسل» به کارگردانی سجاد معارفی، «سبزیه سالگی» به کارگردانی محمد اسفندیاری، «شاهپر» به کارگردانی رهاک جعفری، «کشک‌های شور عزیز» به کارگردانی محسن صالحی‌فرد، «کوتی» به کارگردانی سهیلا پورمحمدی، «کودکی» به کارگردانی لیلا نیکزاد، «کین آختن» به کارگردانی رضا میرزایی، «گیاهخوار» به کارگردانی مرتضی آقاچانی، «لکنت» به کارگردانی جابر نوریزارمی، «لیمو از همه چیز خبر داشت» به کارگردانی آدریس محمودی، «نخ» به کارگردانی زهرا ترک‌منلو، «وجنتین» به کارگردانی محمدرضا گنج‌خاندلو، «پوس‌مار» به کارگردانی نیما تابنده و «ویر» به کارگردانی جواد گنجی.

اسامی آثار راه‌یافته به بخش مسابقه سینمای ایران و مستند نیز طی روزهای آینده اعلام خواهد شد.

### پویش مردمی «مثل قاسم» برگزار می‌شود

پویش مردمی مثل قاسم در ۳ بخش دایسمش سخنرانی‌های منتخب، خواندن بخش‌هایی از وصیتنامه و خواندن بخش‌هایی از کتاب زندگینامه خودنوشت حاج‌قاسم برگزار می‌شود.

مخاطبان برای شرکت در پویش مردمی مثل قاسم می‌توانند با ارسال ویدئوهای کوتاه از خود در یکی از قالب‌ها به این پویش پیوسته و از جوایز ارزنده این پویش بهره‌مند شوند.

مهلت ارسال آثار به این پویش ۳۰ دی است.

**امام حسن مجتبی‌(ع):**

بین حق و باطل به اندازهٔ ۴ انگشت فاصله است آنچه با چشمت بینی، حق است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسیاری را بشنوی

**روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی**

صاحب‌امتیاز ومديرمسئول:محمد آخوندی
مدیرعامل:رضاناشکیبابی
سرمدیر:سید عابدین نورالدینی

نشانی :خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روپایه عمومی:۶۶۴۱۷۲۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۷۲۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۷۲۳۱۷
پيامرسان :vatanemrooz.ir
بست الكترونيك: ۶۶۴۱۷۲۸۲
چاپ:موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع:نشر گستر امروز:۶۱۹۲۳۰۰

**روانشناسی زرد چگونه روان ما را به مصالح کسب در آمد تبدیل کرده است**

# ابتدال روان

این‌ تصاویر ایده‌آل و مقایسه آن با زندگی خود، دچار احساس ناکامی و سرخوردگی می‌شوند. این تناقض، خود به منبعی جدید برای اضطراب و افسردگی تبدیل می‌شود، درحالی‌که هدف ظاهری این‌ محتواها کاهش اضطراب بوده است.

یکی دیگر از مشکلات اساسی این روند، از دست رفتن اعتماد به روانشناسی واقعی است. وقتی مخاطبان بارها با توصیه‌های بی‌اساس و ناکارآمد این روانشناسان زرد مواجه می‌شوند، به‌تدریج کل علم روانشناسی را زیر سؤال می‌برند. آنها دیگر تمایزی بین روانشناسی زرد و علمی قائل نیستند و نتیجه‌گیری می‌کنند که این علم بی‌فایده یا غیرقابل اعتماد است. این مساله، تأثیرات عمیقی بر حوزه سلامت روان دارد، زیرا افراد نیازمند کمک واقعی، به دلیل تجربه‌های قبلی خود، از مراجعه به متخصصان واقعی خودداری می‌کنند. از منظر فلسفی، این روند نشان‌دهنده یک بحران عمیق‌تر در جوامع مدرن است. در دنیایی که

همه چیز به کالا تبدیل شده،



اما آیا راه برون‌رفت از این بحران وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش نیازمند بازنگری در اولویت‌ها و ارزش‌های جامعه است. تنها راه مقابله با این روند، افزایش آگاهی عمومی درباره تفاوت روانشناسی علمی و روانشناسی زرد است. جامعه باید به این درک برسد که حل مشکلات روانی نیازمند زمان، تلاش و تعهد است و نمی‌توان آن را در چند جمله یا دوره کوتاه‌مدت خلاصه کرد. از سوی دیگر، روانشناسان واقعی باید به رسالت علمی و اخلاقی خود پایبند باشند و از افتادن در دام قواعد بازاریابی اینستاگرامی خودداری کنند، حتی اگر این کار به قیمت از دست دادن محبوبیت باشد. در نهایت، این بحران تنها به روانشناسی محدود نمی‌شود. این روند، بخشی از یک تغییر فرهنگی عمیق‌تر است که ارزش‌های سطحی و زودگذر را جایگزین تفکر عمیق و پایدار کرده است. روانشناسی، به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی، تنها یک نمونه از این تغییر است. اگر این روند ادامه پیدا کند، نه‌تنها روانشناسی، بلکه دیگر حوزه‌های علم و هنر نیز در معرض خطر قرار خواهند گرفت. تنها با بازگشت به ارزش‌های اصیل انسانی می‌توان از این ورطه نجات یافت.

## شرق، گوشت دم توپ است!

■ **ترامپ و تهدید پیوندهای فراآتلانتیکی**
طی سال گذشته، لهستان به کشورهای بالتیک پیوسته است و دونالد توسک، رئیس سابق شورای اروپا از جناح راست میانه زمام امور را در ورشو به دست گرفته است اما خروج شوک‌آور لندسبرگیس از قدرت، نگرانی‌هایی در درباره شکستن ائتلاف برانگیخت، درست همان‌طور که صدود ترامپ، غرب را بدون رهبری روشن در صحنه جهانی رها می‌کند.

با این حال، به نظر می‌رسد این‌ ترس‌ها با انتصاب «کستوتیس بودریس» به‌عنوان جانشین او (لندسبرگیس) بطرف شده است. این مرد ۴۳ ساله، مشاور پیشین امنیت ملی و معاون سابق آژانس اطلاعات ملی لیتوانی است که مسئولیت پاسخ به توطئه‌های خرابکارانه مشکوک روسیه در این کشور را بر عهده گرفته بود.

«لیناس کوچالا» رئیس مرکز مطالعات اروپای شرقی در ویلنیوس گفت: «بودریس در دیپلماسی باتجربه است و

و مخالفت آشکار کشورهای مثل مجارستان و اسلواکی مواجه می‌شوند.

«لیپا برازه» وزیر خارجه لتونی گفته کشورهای بالتیک در موقعیت ایده‌آلی برای پیشبرد سیاست خارجی اروپا قرار دارند، زیرا «درک ما از تهدیدات مدنی، نظامی، بخش خصوصی و اقتصادی روسیه، از نظر پاسخ هماهنگ آبه این تهدیدات» نسبتاً یکپارچه است.»

به گفته وی، «وقتی که سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نظارت نمی‌کنند که کدام کالاهای تجاری به روسیه ارسال می‌شود، این امر بر عهده کشورهای در امتداد مرز مشترک آبا روسیه! گذاشته می‌شود تا وظیفه‌ای را که صدود اروپا ترک می‌کند، آنها (۳ کشور شرق بالتیک) برعهده گیرند. ما به رسیدگی به این موضوع ادامه خواهیم داد، زیرا فشار جدی بر نظام ما ایجاد می‌کند ولی فکر هم نمی‌کنیم این ما هستیم که باید هزینه‌ای که سایر کشورها در زمینه تحریم‌ها و کنترل‌های گمرکی متقبل نمی‌شوند، بپردازیم.»

## صادرات ناامنی از سوریه به عراق

تدابیر پیشگیرانه، جلوی هرگونه دامن‌زدن به اختلافات فرقه‌ای را بگیرند.

۷- **سناریوهای محتمل در آینده نزدیک و اهمیت هشدار:**
در یک نگاه هشدارآمیز، می‌توان ۳ سناریوی کلی برای وضعیت عراق پس از سقوط حکومت سوریه و موج احتمالی ترورها ترسیم کرد:

الف- سناریوی خوش‌بینانه: تداوم و گسترش موج ترورها و بهره‌برداری گروه‌های افراطی و قدرت‌های خارجی از فرصت ایجادشده برای تضعیف کامل دولت مرکزی. در این حالت، شکاف‌های قومی و مذهبی به نقطه بحرانی می‌رسد و احتمال شکل‌گیری درگیری‌های داخلی گسترده و تجزیه عراق وجود دارد.

## مهر داد احمدی: روانشناسی، به‌مثابه ابزاری برای فهم انسان و جهان درونی او، همواره با پیچیدگی‌های عمیقی عجین بوده است. دانشی که از دل تأملات فلسفی و تجارب بالینی زاده شد، در اصل به دنبال آن بود که در تارکی ذهن انسان نور بیفکند و گره‌های کور روان را باز کند. اما این علم، که در ذات خود جست‌وجویی شریف و عمیق است، در دنیای امروز به شکلی از ابتدال و سطحی‌نگری کشیده شده که از اصل خویش بیگانه است. ورود روانشناسی به فضای سوشال مدیا، بویژه اینستاگرام، چیزی جز سقوط به ورطه ابتدال مطلق نبوده است. این ابتدال نه‌تنها محتوای این علم را کم‌مایه و تهی کرده، بلکه آن را به ابزاری برای نمایش، خودنمایی و سودجویی بدل ساخته است. اینستاگرام، به‌عنوان پلتفرمی که جوهره‌های تصویر و نمایش است، بستری کامل برای کسانی شده که نه به روانشناسی، بلکه به جذابیت‌ظاهری آن علاقه دارند. این افراد، که بیشترشان نه تحصیلات جدی دارند و نه تجربه بالینی، خوراک خود را از سطحی‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین منابع موجود تهیه می‌کنند. ترجمه ضعیف چند جمله از کتاب‌های عامه‌پسند روانشناسی غربی با بازتولید کلیشه‌های فرهنگی که ریشه در عرف عام دارد، ابزار کارشان است. این محتوا نه برای حل مشکلات واقعی افراد، بلکه برای جذب فالوئر، فروش دوره‌های بی‌اساس و تبلیغ محصولات بی‌ربط تولید می‌شود. هدف اصلی این افراد چیزی جز سودجویی اقتصادی و کسب شهرت نیست. آنها روانشناسی را از اصالت علمی و انسانی‌اش تهی کرده و آن را به نوعی «کالا» تبدیل کرده‌اند که با بسته‌بندی‌های رنگارنگ به مشتری عرضه می‌شود. اما شاید تلخ‌تر از این، آن است که روانشناسان واقعی نیز به‌تدریج در این بازی گرفتار شده‌اند. کسانی که از دانشگاه‌های معتبر مدرک گرفته‌اند و در اصول علمی این رشته ریشه دارند، برای بقای حرفه‌ای خود مجبور شده‌اند به قواعد بازی سوشال مدیا تن دهند. اینستاگرام، با الگوریتم‌هایی که تنها به اعداد و بازدید اهمیت می‌دهد، محتوای جدی و عمیق را نادیده می‌گیرد و آنچه را که ساده، جذاب و جنجالی است به‌وج می‌رساند. روانشناسان واقعی، برای رقابت با این موج سطحی‌نگری، ناگزیرند از زبان علمی و دقیق خود فاصله بگیرند و به تولید محتوای ساده‌انگارانه بپردازند. این امر، به نوعی سقوط اخلاقی و علمی برای آنها تبدیل شده است، چراکه برای بقا در این فضا، باید اصول علمی و حقیقت‌جویی را قربانی کنند اما چرا جامعه به جای رو آوردن به روانشناسی عمیق و علمی، به این افراد سطحی‌نگر جذب می‌شود؟ پاسخ این پرسش در ساختار فرهنگی و اجتماعی ما نهفته است. جامعه‌ای که علاقه چندانی به مطالعه و تفکر جدی ندارد، طبیعتاً محتوای ساده، کوتاه و زودفهم را ترجیح می‌دهد. در چنین فضایی، جملات انگیزشی و توصیه‌های کلیشه‌ای که در قالب‌های زیبا و جذاب ارائه می‌شوند، جای تحلیل‌های عمیق و ریشه‌ای را می‌گیرند. افراد، به جای آنکه زمان و انرژی خود را صرف فهم عمیق مشکلات خویش کنند، ترجیح می‌دهند با شنیدن یک جمله ساده از یک اینستاگرام، حس بهتری پیدا کنند و به خود بقبولاند که مشکلی وجود ندارد. این سطحی‌نگری جمعی، همان بستری است که به ابتدال روانشناسی در فضای سوشال مدیا دامن زده است. اینستاگرام، در نهایت اینبانی است که سطحی‌ترین لایه‌های جامعه را بازتاب می‌دهد. روانشناسان زرد این فضا،

**یادداشت روز**
**افزایش تنش‌های مذهبی – قومی؛ خطری که نباید نادیده گرفته شود:** پس از فروپاشی حکومت سوریه، همگرایی یا واگرایی گروه‌های عراقی تا حد زیادی بر امنیت و ثبات این کشور سایه خواهد انداخت. اگر ترور شخصیت‌های کلیدی عراقی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که رنگ و بوی فرقه‌ای به خود بگیرد، خطر گسترش منازعات داخلی بالا می‌رود. در این صورت، واکنش‌های انتقام‌جویانه و افزایش خشونت‌های فرقه‌ای نه‌تنها دولت بغداد را تضعیف می‌کند، بلکه بازسازی ساختارهای امنیتی و اقتصادی را تسال‌ها به تعویق می‌اندازد. از این رو، سران سیاسی و مذهبی باید با شناسایی نقاط حساس و اتخاذ

**یادداشت روز**
شاید هم مطلوب‌شان این

است که جمهوری اسلامی هم مانند گروه‌های فعلی حاکم بر سوریه یا آل سعود و آل خلیفه، دست از منافع ملت، آرمان‌های انسانی و حمایت از مظلومان بردارد. اجازه دهد راهبردهایش را آمریکا تعیین کند و در مقابل جنایات اسرائیل در غزه و لبنان